

تحریک توسعه خرد مقیاس در بافت‌های هدف از طریق شبکه اقدامات مشارکتی^۱

مروارید قاسمی*

مقدمه

نظر به گستره وسیع بافت‌های هدف بازآفرینی در سطح شهرها، تردید در کارآمدی مداخلات یکباره و یک‌جانبه در بخش عمدتاً املاک و مستغلات این حوزه با توجه به تجارب پیشین، و نیز ضرورت احیای این بافت‌ها با استفاده از کلیه نیروها اعم از انسانی، مالی و زمانی، عرصه باز همگانی بهترین عرصه برای گرد هم آوردن نیروهای بالقوه مذکور و رهاسازی پتانسیل آن‌ها و هدایت آن به سطحی بسیطر است. بر این اساس، اقدام مدیریت شهری در جهت فراهم کردن بستر و زیرساخت‌های فنی لازم برای مجموعه‌ای از اقدامات خرد با محوریت مطالبه و مشارکت شهروندان در عرصه باز همگانی، مسیر بازآفرینی بافت شهری از طریق ارتقای کیفیات محیطی در عرصه همگانی را به شیوه‌های مؤثرتر، در بازه زمانی مدیریت شده و به صورتی تدریجی و مستمر هموار خواهد ساخت. همچنین این مهم به هدایت مداخله خرد مقیاس به سمت اقدام مشارکتی و در نهایت برنامه جامع اقدامات قابل‌جانمایی در ساختار طرح‌های فرادست مرتبط با بافت‌های هدف یاری می‌رساند.

تعاریف

«تحریک رشد و توسعه» فرایندی مولد است که با بهره‌گیری از امکانات بالقوه و بالفعل بستر و زمینه محلی، و از طریق ارزش‌افزایی در ابعاد مختلف، انگیزه و پویایی لازم برای ارتقای کمی و کیفی رشد و توسعه و زندگی در بافت‌های شهری را فراهم می‌آورد. تحریک رشد و توسعه، نوزایی و بازآفرینی مداوم، خودانگیخته و تدریجی را در بافت شهری به دنبال دارد.

«طرح محرک رشد و توسعه» به هر حرکت جدید اعمال‌شده از بالا (مداخله) یا دوسویه (اقدام) - اعم از رویداد، فعالیت و نظایر آن - در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، طراحی، و اجرا برای ارتقای کیفیت زندگی شهری اطلاق می‌شود. حرکتی که با اثر مثبت و انگیزشی بر سایر عناصر موجود در بافت شهری، باعث ایجاد تغییر و بهبود سایر عناصر در محیط خود و ارتقای مطالبات شهروندی و حق به شهر برای به‌زیستی در فضای شهری می‌شود. طرح محرک رشد و توسعه از جنس اجرایی و دارای ماهیت مداخله/ اقدام است، شتابان و نه شتاب‌زده عمل می‌کند و در کوتاه مدت اثربخش است، ولی اهداف خود را در ارتقای کیفیت زندگی شهری، حق به شهر و مطالبات

۱- نوشتار حاضر ماحصل پژوهشی است با همین عنوان که در سال ۱۳۹۴ به مدیریت نگارنده در مهندسان مشاور هنر مهندسی شهر به سفارش شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری انجام پذیرفته است. همکاران اصلی پژوهش عبارت‌اند از مروارید قاسمی، بابک مطلب‌نژاد، سمیرا اصغری، الهه ساکی، آرش میرزاجانی، المیرا نصری و یاسمن یعقوبی.
* کارشناس ارشد معماری و طراحی شهری
mo_ghassemi@yahoo.com

شهروندی در میان مدت و درازمدت پیگیری می‌کند. رشد و توسعه صرفاً با وجوه کمی آن به معنی وسعت دادن قلمرو یا بالا بردن شاخص‌های کمی از پیش تعیین شده تعریف نمی‌شود، و وجوه کیفی آن شامل حفظ و تقویت حیات شهری و ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های هدف است. رشد و توسعه به معنای معاصر سازی سازمان اجتماعی - اقتصادی و سازمان کالبدی - کارکردی - معنایی بافت‌های هدف برای سازگاری با نیازهای امروزی ساکنان است. لذا اهداف رشد و توسعه، علاوه بر تأمین رفاه به مثابه یک شاخص کمی، ماندگاری سکونت و افزایش تعلق به مکان در نزد ساکنان، تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقای شأن و منزلت بافت به عنوان اهداف کیفی نیز هست.

در کنار مفهوم «تحریک رشد و توسعه»، دو مفهوم دیگر هم مطرح می‌شود: «تخریب رشد و توسعه» به معنی ایجاد موانع، خواسته یا ناخواسته، بر سر راه رشد و توسعه به مثابه عارضه‌ای خودمختار که آن را از مسیر درست خارج می‌کند؛ و «تحدید رشد و توسعه» به معنی محدود کردن آن در جهاتی خاص به دلیل ضعف ظرفیت زمینه یا عدم شناسایی دقیق زمینه به عنوان ابزاری برای جهت دادن به دگرگونی آن.

بنابراین، در هر گونه تلاشی برای تحریک رشد و توسعه، باید به عوامل مقوم و مخرب آن در زمینه توجه دقیق و تحلیلی داشت؛ و داشتن نیت تحریک رشد و توسعه همیشه و همه جا کارآمد نیست و به نتیجه مطلوب منجر نمی‌شود.

گونه‌شناسی

طرح‌های محرک رشد و توسعه براساس مقیاس به دو گروه «کلان مقیاس» و «خرد مقیاس» تقسیم می‌شوند. طرح‌های کلان مقیاس در مقیاس شهر و منطقه شهری عمل می‌کنند و با مداخلات / اقدامات سنگین، حداکثری و هزینه‌بر از طریق جذب سرمایه‌گذاری بزرگ همراه‌اند. این طرح‌ها از سرمایه بزرگ به عنوان اهرم تحریک رشد و توسعه برون از داشته‌های زمینه استفاده می‌کنند ولی نقاط اتکای این اهرم در

درون بافت‌های هدف جست‌وجو می‌شود. طرح‌های خرد مقیاس در سطح محلی (محلّه و واحد همسایگی) مصداق می‌یابند. نوع اقدامات در این مقیاس در همراهی با ظرفیت‌های قابل تحمل نظام‌های محلی تعریف می‌شود و با آن که می‌تواند از اهرم‌های بیرونی برای تحریک رشد و توسعه سود ببرند، اتکای اصلی در آن‌ها بر نیروهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی - فضایی محلی با تأکید بر به‌کارگیری حداکثری مشارکت همه سوبه و سرمایه اجتماعی موجود است.

طرح‌های محرک رشد و توسعه برحسب حوزه اقدام در دو گروه «املاک و مستغلات» و «عرصه باز همگانی» جای می‌گیرند. طرح‌های محرک رشد و توسعه در حوزه املاک و مستغلات عمدتاً معطوف به احداث ابنیه‌اند و در اراضی دارای مالکیت و تصرف مشخص اجرا می‌شوند. نتایج این طرح‌های توسعه ارزش مبادلاتی دارد و لذا، در عین استقبال طیف وسیعی از مخاطبان، از عوارض سوء سوداگری و رانت به دور نیستند.

طرح‌های محرک رشد و توسعه در حوزه عرصه باز همگانی بر ارتقای کیفیت فضاهای شهری، فضاهای باز فراغتی و کیفیت زندگی شهری متمرکزند. این نوع طرح‌ها فاقد سود مستقیم سرمایه‌گذاری هستند و در اراضی دارای مالکیت، تصرف و استفاده همگانی به اجرا درمی‌آیند. آن‌ها عمدتاً معطوف به نظام شهروندی، حق به شهر شهروندان و انباشت سرمایه اجتماعی محلی و شهری هستند و از این نظر محمل تحقق عدالت اجتماعی‌اند.

بر مبنای تجارب جهانی و داخلی، طرح‌های کلان مقیاس در عرصه املاک و مستغلات پاسخ‌گوی نیازهای توسعه‌ای کمی و کیفی در بافت‌های هدف به مثابه محدوده‌های آسیب‌پذیر نیستند و اغلب موجب مداخله‌های آمرانه، وسیع و پرعارضه می‌شوند و بر ضد خود عمل می‌کنند. بنابراین توصیه می‌شود که به اجرای طرح‌های محرک رشد و توسعه خرد مقیاس در عرصه باز همگانی بافت‌های هدف، که رویکردی کم‌عارضه و پرائر است، توجه خاص مبذول شود.

از سوی دیگر، طرح‌های محرک رشد و توسعه بنا به ضرورت و با بسترسازی برای رفع موانع موجود می‌توانند در هفت بعد کالبدی، عملکردی، معنایی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی تبلور یابند. آنچه به این طرح‌ها اصالت می‌بخشد ایجاد فرایند اثربخشی مستمر و منسجم است، فرایندی مستقل از ابعاد آغازین ملاک مداخله/ اقدام. انتخاب یک یا چند بعد برای شروع مداخله/ اقدام بستگی تام به شرایط زمینه‌ای بافت هدف و نیروهای مؤثر در طرح‌های محرک رشد و توسعه دارد. لذا بسنده کردن به الگوسازی کالبدی برای تحریک توسعه نه تنها مفید نیست، بلکه می‌تواند مضر هم باشد.

مختصات و ویژگی‌ها

اهم ویژگی‌های لازم برای طرح محرک رشد و توسعه خرد مقیاس در عرصه باز همگانی بافت‌های هدف عبارت‌اند از:

- در وهله اول باید اقدام‌محور و زودبازده باشد.
- باید مبتنی بر سازوکاری مشارکتی باشد.
- اقدام محرک توسعه اصولاً باید ارزشافزا باشد و روشن است که وقتی بر عرصه باز همگانی در مقیاس خرد متمرکز میشود، صرفاً با ارزش اقتصادی توجیه‌پذیر نیست و سایر ارزش‌های افزوده آن برای بافت باید برجسته‌نمایی شود.
- با گذر از مرحله آزمون و خطا و اقدام‌محوری، باید به بسط چشم‌اندازی بلند مدت منجر و برنامه‌محور شود.
- اقدام محرک توسعه باید با توجه به زمینه قرارگیری تعریف شود.
- تدوین دستور کار واحد و ثابت برای تحریک توسعه خرد مقیاس مشارکتی در انواع بافت‌های ناکارآمد شهری با مفهوم این نوع اقدامات در تعارض است و هر نوع سندی در جهت هدایت و کنترل چنین اقداماتی باید از انعطاف‌پذیری لازم برای انطباق با شرایط زمانی و مکانی برخوردار باشد.
- دستاورد اصلی تحریک توسعه اقدام‌محور باید تحریک

حساسیت محیطی در شهروندان باشد.

- دستاورد اصلی تحریک توسعه برنامه‌محور باید چشم‌اندازی برای حفظ و مدیریت کیفیت محیطی باشد.
- تحریک توسعه باید مبتنی بر اقتصاد اجتماعی در سطح محلی باشد.
- هر اهرم یا نیروی محرک توسعه باید در زمان و مکان درست و براساس سناریویی از پیش تدوین شده وارد سیستم شبکه شهری شود و پس از اثرگذاری بر نقطه اتکای محلی، در زمان مناسب از سیستم خارج شود. تنها نیرویی که به نسبت سایر نیروها ماندگاری بیشتری در حوزه دارد ساکنان حوزه هستند. به عبارت دیگر، مداخله نیروهای خارج از زمینه اقدام محرک توسعه صرفاً به عنوان آغازکننده و به طور محدود و با عنایت به ضرورت خروج نیروی مداخله‌گر از فرایند اقدامات در زمان مقتضی مجاز است.
- تحریک توسعه به هیچ وجه نباید صرفاً بر حوزه املاک و مستغلات و سرمایه‌گذاری‌های کلان متمرکز شود یا با مداخلات سنگین در کالبد شهر همراه باشد.
- اقدام محرک توسعه باید با افزایش حس تعلق افراد به محله‌شان، انگیزه آنان را برای ماندن در این عرصه به تدریج تقویت کند.
- اقدام محرک توسعه باید با بازبینی و پایش مداوم، به صورت روزآمد و در مسیر مطلوب به سوی برنامه هدایت شود.
- اقدام محرک توسعه باید برخوردار از انسجام در مکان (شبکه‌ای بودن) و استمرار در زمان (زودگذر و مقطعی نبودن) باشد.
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های زمینه، تقویت ابزارهای مداخله/ اقدام موجود، و توانمندسازی بستر تحریک توسعه مهم‌ترین دستاوردهای شبکه اقدامات مشارکتی خرد مقیاس محرک توسعه در بافت‌های ناکارآمد شهری است.
- در تحریک توسعه، لازم است توانمندسازی عرصه همگانی به مثابه ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی و

احترام به حقوق شهروندی در صدر اهداف قرار گیرد.

■ اقدام محرک توسعه نباید در سطوح بالای شهری اجرایی یا نگره‌داری و مدیریت شود، بلکه باید در روند مطالبه، ایده‌پردازی، اجرا و مدیریت متکی به مشارکت اجتماع محلی قرار گیرد.

■ از اقدامات محرک توسعه نباید الگوسازی کالبدی کرد چرا که وجه شاخص این اقدامات، رویه تعریف شده برای آنها و آثاری است که در محیط می‌گذارند.

■ تمام فرایندها اجرا نباید پایان اقدام تلقی شود، بلکه مراحل نگره‌داری، مدیریت و توسعه اثر نیز نقش مهمی در تداوم اقدام و بقای حیات شهری یک حوزه دارند.

■ منافع مالی نباید به اولین اولویت برای تشویق شهروندان به شرکت و ماندن در فرایندهای اقدامات تبدیل گردد.

■ اقدام محرک توسعه در عرصه همگانی را نباید به بهانه فرسودگی بافت به تأخیر انداخت زیرا یکی از کارکردهای آن کنترل فرسودگی در بافت و هدایت خودبه‌خودی به سمت بازآفرینی است.

■ در توجیه اقتصادی اقدامات محرک توسعه نباید از ارزش‌افزایی ناشی از ارتقای کیفی عرصه همگانی در روند توسعه غفلت ورزید.

■ در نهایت این که تحریک توسعه همیشه و همه جا تجویز نمی‌شود و چه‌بسا در مواردی که با توسعه ناهنجار بافت‌های ناکارآمد یا روند توسعه غیرقابل کنترل و خارج از برنامه سکونت‌گاه‌های غیررسمی مواجهیم، اصولاً نیاز به تحدید توسعه داریم و تحریک توسعه نه‌تنها مزایای پیش‌گفته را دربر ندارد، بلکه موجب بازتولید و تکثیر فرسودگی می‌شود.

لذا می‌توان ویژگی‌های زیر را برای چنین طرح‌هایی برشمرد: زودبازده، تحقق‌پذیر با سرمایه و مداخله اندک، مبتنی بر سازوکار مشارکتی، متکی بر مدیریت دوسویه (از پایین به بالا و از بالا به پایین)، ارزش‌افزا در ابعاد مختلف، فرایندمحور، زمینه‌گرا، سازگار و انعطاف‌پذیر در تناسب با شرایط زمان و مکان، آینده‌نگر و برخوردار از چشم‌انداز بلند مدت، مولد تغییر مثبت و محسوس

و به دور از آسیب‌رسانی، محرک تمنای حق به شهر و ارتقای مطالبات شهروندی، تکثیرپذیر و انطباق‌پذیر، قابل پایش و بازبینی مداوم، فاقد دستور کار واحد و تعمیم‌پذیر، استراتژی‌محور، قابل آزمون و خطاپذیر، منسجم در مکان (ساختار شبکه‌ای)، مستمر در زمان (ادامه‌دار و متداوم)، و موجد شکل‌گیری و انباشت سرمایه اجتماعی.

تحقق‌پذیری

فرایند ارائه طرح‌های محرک رشد و توسعه خرد مقیاس در عرصه همگانی بافت‌های هدف بر سه گام اصلی «مداخله»، «اقدام» و «برنامه» استوار است و هدف آن گذار از اقدام محوری کنونی به برنامه محوری آینده و تبدیل طرح‌های محرک رشد و توسعه شهری منفصل و پراکنده به شبکه‌ای فراگیر و نظام‌مند از بازآفرینی پایدار و نوزایی شهری است.

مداخله (وضعیت کمینه) کنش شهری ضربتی است که به کمک و صلاح‌دید نیروهای ذی‌نفوذ اصلی، بدو در کوتاه مدت و با نیت شروع به تحریک توسعه، و با اتکا به نیروهای بیرون از بافت اتفاق می‌افتد. خروج این نیروها از بافت پس از مداخله الزامی است. اقدام (وضعیت میانه) کنش شهری منفرد است که به اتکای نیروهای درون بافت و بر پایه جذب اعتماد و مشارکت موردی و همه‌جانبه آنان در سطوح مختلف از مطالبه و تصمیم‌سازی تا اجرا و نگره‌داری، در کوتاه مدت یا میان مدت، محقق می‌شود و به تأثیر و تغییر مثبت در جهت دگرگونی و دگردیسی بافت هدف می‌انجامد. برنامه (وضعیت بیشینه) شبکه‌ای هدفمند از کنش‌های شهری است که از طریق گفت‌وگو و وفای جمعی، و بر پایه تکثیر اقدامات پیش‌آموده در ارتباطی معنی‌دار و فراگیر با یکدیگر، زنجیره پیوسته‌ای از محرک‌ها را برای نیل به چشم‌انداز بلند مدت توسعه عرصه همگانی مورد تقاضا شکل می‌دهد.

نقطه آغاز فرایند تحریک توسعه خرد مقیاس در عرصه باز همگانی بافت‌های هدف، وضعیت‌سنجی ماهوی (برآیندی) بافت و رویه‌ای (فرایندی) نیروهای ذی‌مدخل است. به این معنا که بافت هدف مستعد و

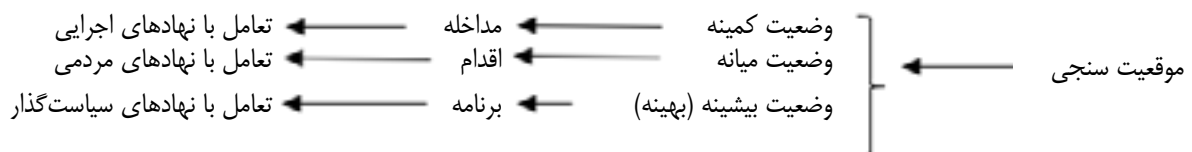


اولویت‌دار از میان گونه‌های بافت هدف در یک حوزه مدیریتی شناسایی شود، نتایج کنش‌های صورت گرفته با نیت تحریک توسعه یا کنش‌های اتفاقی محرک توسعه پایش شود، و وضعیت رویه‌ای آن‌ها از نظر فرایند تحقق‌پذیری در یکی از سه گام مداخله، اقدام و برنامه جای گیرد. سپس براساس اقتضائات ماهوی و ابعادی بافت مورد نظر (کالبدی، عملکردی، معنایی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی) و جایگاه رویه‌ای تجارب، گام‌های بعدی متناسب با بودجه‌بندی مالی - زمانی و ظرفیت مشارکتی - مدیریتی تعیین می‌شود.

رکن اصلی ارزیابی نتایج و پایش میزان اثربخشی گام‌های طرح‌های محرک رشد و توسعه خرد مقیاس در عرصه همگانی بافت‌های هدف نیز آرای گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ مستقر در محل است. نظرسنجی از شهروندان به عنوان گروه ذی‌نفع براساس مقایسه

تطبیقی میزان رضایت مردم از محیط زندگی و فعالیت، میزان تولید خواست ارتقای کیفیت زندگی شهری و طلب حق به شهر در اقدامات انجام شده، و آمادگی برای همکاری‌های آتی، در قبل و بعد از گام اقدام صورت می‌گیرد. نتایج این نظرسنجی به تبیین سطح مشارکت‌جویی ذی‌نفعان در ادامه یا تکرار اقدامات منجر می‌شود.

نظرسنجی از مدیران و متخصصان به عنوان گروه ذی‌نفوذ بر مبنای میزان موفقیت در اعتمادسازی همگانی، پیشرفت در رفع موانع مختلف در برابر طرح‌های محرک رشد و توسعه خرد مقیاس در عرصه همگانی بافت‌های هدف، تعریف و واگذاری تهیه طرح، اجرا، حفظ و نگهداری و پایش، و آمادگی عبور از یک وضعیت (کمینه / میانه) به وضعیت بهتر (میانه / بیشینه) انجام می‌شود. نتایج این آرا معرف میزان تمایل ذی‌نفوذان نسبت به تغییر شرایط مدیریتی آمرانه از بالا به پایین به مدیریت



مشارکتی شهروندمحور و از پایین به بالاست.

برای گذار از اقدام محوری به برنامه محوری در جهت تحقق تحریک رشد و توسعه و بازآفرینی پایدار و نوزایی شهری در بافت‌های هدف، مهم‌ترین امر تزریق برنامه تحریک رشد و توسعه در نظام شهرسازی کلان کشور از طریق تقویت جایگاه اسنادی آن در انواع طرح‌های شهری رایج و تدوین نظام اداری پشتیبان در بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصی با راهبری شرکت عمران و بهسازی شهری است. تدوین سازوکار نظارت و حفظ و نگهداری، مدیریت مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، مدیریت فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و جذب سرمایه، تمهید سازوکار آموزش شهروندی و بسترسازی فرهنگی، و خواست ارتقای کیفیت زندگی شهری و محیطی از الزامات بنیادی تحقق تحریک رشد و توسعه خرد مقیاس در بافت‌های هدف از طریق شبکه اقدامات مشارکتی خرد مقیاس است.

منابع^۱:

- اسلامی، سیدغلامرضا. (۱۳۸۰). «فرایند توسعه و تولید درون‌زا». *هنرهای زیبا*: ۴۴-۵۱.
- ایزدی، محمدسعید. (۱۳۸۹). «بازآفرینی شهری: کنش و بینشی جامع و یکپارچه در سامان‌دهی محدوده‌های هدف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری». *هفت شهر*: ۷۳-۸۰.
- پوراحمد، احمد، کیومرث حبیبی، و مهناز کشاورز. (۱۳۸۹). «سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری». *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۷). *ساختن شهرهای مردم‌پسند*. ترجمه مروارید قاسمی. تهران: روزنه.
- حبیبی، محسن، و ملیحه مقصودی. (۱۳۸۱). *مرمت شهری*. تهران: دانشگاه تهران.
- ژنگ، هلن وی، جفری کپیینگ شن، و هائی وانگ. (۱۳۹۳). «بررسی مطالعات اخیر در زمینه نوسازی شهری پایدار». ترجمه حسین قانونی. نشریه اینترنتی نوسازی: ۱-۲۱.
- سالینگاروس، نیکوس آنجلوس. (۱۳۹۳). *اتصال شهر فراکتال*. ترجمه مرجان بابائی. تهران: آرمانشهر.
- صحنی‌زاده، مهشید، و محمدسعید ایزدی. (۱۳۸۳). «حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر؟». *آبادی*، س ۴، ش ۴۵.
- عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۷۹). «سیر تحول سیاست‌های مداخله در بافت‌های کهن شهری در ایران». *هنرهای زیبا*: ۳۷-۴۶.
- علی‌پور، روجا، و مسعود خادمی. (۱۳۹۰). «تأثیرات ساختارهای میان‌افزا بر تحریک توسعه در بافت‌های فرسوده». *ویژنه‌نامه منظر* ۱۴: ۸۰-۸۳.
- کارمونا، متیو، تیم هیت، و استیون تیسدل. (۱۳۹۱). *مکان‌های عمومی فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری*. ترجمه فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری، و اسماعیل صالحی. تهران: دانشگاه هنر.
- گل، یان. (۱۳۹۲). *شهر انسانی*. ترجمه علی غفاری و لیلا غفاری. تهران: مؤسسه علم معمار.
- وایت، ویلیام. (۱۳۹۲). *زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک*. ترجمه میترا حبیبی. تهران: دانشگاه هنر.
- Attoe, Wayne, and Donn Logan. (1994). *American urban architecture; catalysts in the design of cities*. Berkeley: University of California.
- Barton, Hugh, Marcus Grant, and Richard Guise. (2003). *Shaping neighbourhoods, a guide for health, sustainability and vitality*. London & New York: Spon Press.
- Batty, Michael. (2007). *Complexity in city*

۱- منابعی که در اینجا آورده شده‌اند، اهم منابعی است که در پژوهش «تحریک توسعه خرد مقیاس در بافت‌های هدف از طریق شبکه اقدامات مشارکتی» مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

ban catalyst for sustainable urban development; case study of IMS/Solaria Plaza and Hotel Il Palazzo. Fukuoka: Kyushu University.

- Loftman, Patrick, and Brendan Nevin. (1995). "Prestige projects and urban regeneration in the 1980s and 1990s: A review of benefits and limitations". *Planning Practice and Research*: 299-315.
- Lydon, Mike, and Anthony Garcia. (2015). *Tactical urbanism; short-term action for long-term change*. Washington: Island Press.
- Makower, Timothy. (2014). *Thoughts on urban scale*. West Sussex: Wiley Blackwell.
- Roberts, P., and H. Skyes. (2000). *Urban regeneration*. London: Sage.
- Tallon, Andrew. (2010). *Urban regeneration in the UK*. New York: Routledge.
- *systems: Understanding, evolution, and design*. London: Center of Advanced Spatial Analysis.
- Batty, Michael, and Paul Longly. (1994). *Fractal cities; a geometry of form and function*. London: Academic Press Limited.
- Bohannon, Cermetrius Lynell. (2004). *The urban catalyst concept; master of landscape architecture*. Virginia: The Faculty of Virginia Polytechnic Institute & State University.
- Colantonio, Andrea, and Tim Dixon. (2011). *Urban regeneration and social sustainability; best practice from European cities*. West Sussex: Wiley Blackwell.
- Davis, Juliet. (2009). "Urban catalysts in theory and practice". *Architectural Quarterly*: 295-306.
- Jenkins, Eric J. (2008). *To scale: One hundred urban plans*. New York: Routledge.
- Kongsombat, Prin. (2012). *Study on ur-*

